

دکتر علی اکبر شهابی  
استاد دانشگاه تهران

# بجای خرده گیری بیجا از زبان و خط فارسی توجه بیشتری بفرا گرفتن آن بشود

خط و زبان فارسی با همین «الفباء» و کلمه‌های متداول در زبان عمومی و زبان ادبی، پایه فرهنگ جاوید ایرانی و مایه پیوند زمان حال بزمان گذشته و آینده و بزرگترین سرمایه اجتماعی و نگهبان استقلال و ملیت و شناسنده تمدن و فرهنگ پرمایه و اصیل ایرانی به جهان و جهانیان است.

در هیچیک از دوره‌های تاریخی خط و زبان فارسی یعنی فارسی باستان و اوستایی و فارسی میانه یا پهلوی دائره گسترش فرهنگ ایرانی و خط و زبان فارسی باندازه دوره جدید (مقصود دوره اسلامی است) نبوده است. متجاوز از هزار سال است که با همین خط و زبان و املاء و نگارش در همه شهرهای ایران زمین و شبه قاره هندوستان و ترکستان و ماوراء النهر و ختا و ختن و کاشغر و بسیاری از نقاط شرق و غرب عالم، میلیونها کتاب و رساله و دفتر و دیوان شعر و اسناد تاریخی و سیاسی نوشته شده و از هنگام پیدایش چاپ

بسیاری از آنها بزبور چاپ آرایش یافته است. در صورتیکه هیچیک از ادوار گذشته نه از جهت طول زمان و نه از جهت مقدار آثار فکری و ادبی و هنری، بنیاده این دوران طولانی و پرمایه و ارج نمیرسد.

آثاری که درین دوره طولانی از مغز بزرگترین دانشمندان، فیلسوفان، ریاضی دانان، مورخان، نویسندگان و شاعران بروی صفحه و کاغذ نقش بسته و در اینجا و در آنجا کتابخانه های بزرگ ایران و کشورهای دیگر را زینت بخشیده است از شماره بیرون است. همه این آثار گرانها که بزرگترین میراث فرهنگ و تمدن ایرانی و موجب حفظ ملیت و نگهبان استقلال ما میباشد با همین زبان و خط نوشته شده است، البته با اختلافات جزئی که با اساس وحدت آن زبانی نمیرساند.

یکی از مزایای نمایان خط و زبان فارسی آن است که رشته پیوند آن در عرض هزار سال گسیخته نشده است چنانکه هر فارسی زبان امروز با آسانی عبارات کتابهای ترجمه تاریخ طبری و تاریخ بیهقی را که در حدود هزار سال قبل نوشته شده است میخواند و میفهمد و اشعار رودکی و فردوسی را که هزار سال قبل سروده شده است، آسان تر از بسیاری از شعرهای امروزی درک میکند. کدام فارسی زبان است که به محض خواندن این شعر فردوسی:

توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود

یا این شعر رودکی:

ز آمده شادمان نباید بود / وز گذشته نگرید باید یاد

معنی آن را نفهمد؟ هم چنین خطوط فارسی که در عرض این دوره هزار ساله نوشته شده و در کتابخانه ها و موزه ها نگهداری شده است؛ در املاء چندان فرقی با خط امروز ندارد و مکرر در پارسی از موارد که تلفظ قدیم با تلفظ امروز فرق کرده است از قبیل «د» که در برخی از شهرهای قدیم ایران «ذ» تلفظ میشده و بجای «یاد» و «بود» و «شد» و «ایستاد» امروز در قدیم «یاذ» و «بوذ» و «شد» و «ایستاد» تلفظ میکردند و نظیر این تغییرات و اختلافات جزئی که با اساس وحدت زبانی نمیرساند و جزء لهجه محسوب می شود.

در تمام این دوران طولانی، هیچگاه مردم نا آگاه و غیر صالح در کار خط و زبان که بنیاد تمدن و فرهنگ ملت‌هاست دخالت نمی‌کردند و مردم دانا و آگاه نیز هرگز بخود اجازه نمی‌دادند که فی‌المثل بجای خواهر، خاهر و بجای خور، خرو بجای خواستن (بمعنی طلب کردن) خاستن (بمعنی ایستادن) و عوض قلم، غلم و بجای طبرستان، تیرستان و عوض سندلی، سندلی بنویسند و این کار را مایهٔ پیشرفت خواندن و نوشتن بدانند، زیرا آنان همیشه باین نکات اساسی توجه داشتند :

۱- خط و زبان با همه اهمیت و مقامی که در گسترش علوم و فنون و صنایع دارد، هدف نیست، بلکه راه و وسیلهٔ رسیدن به هدف یعنی تفهیم و تفهم است. اساس این وسیله وضع و قرارداد است.

بدین ترتیب که اهل زبان از حروف تهجی کلمه‌هایی بهم پیوسته و هر کلمه را در مقابل معنی وضع کرده‌اند. مثلاً: کلمهٔ آب برای جسم سیال و کلمهٔ سنگ برای جسم سخت و حامد و کلمهٔ خاک برای جسم نرم که بر روی زمین گسترده است وضع شده. همچنین شکل خور برای نشان دادن خورشید و شکل خر برای دراز گوش و صورت خان برای سرا و شکل خوان برای سفره انتخاب شده است حال اگر کسی آب بگوید و از آن خاک اراده کند یا خان بنویسد و از آن سفره بخواهد؛ گذشته از اینکه مقصودش فهمیده نمیشود، هر چه و مرج و آشفتگی در امر زبان و خط پیدا میشود.

چنانکه اگر کسی از روی هوس در علامت راهنمایی که هر علامت در برابر معنی خاصی قرار داده شده است دخل و تصرف کند و فی‌المثل بجای علامت «ممنوع» علامت «مجاز» و بجای علامت «گردش بر است» را روی تابلو نقش کند معلوم است که چه خطر ها و زیانهای محسوسی از این دستبرد برای اجتماع پیدا خواهد شد.

در نظر اهل فن و مردم واقع بین و دور بین دست‌درازی و تغییر و تبدیل بیجای از طرف مردم غیر صالح در خط و زبان فارسی زیانش بدرجاتی عمیق‌تر از زبان تغییر علامت راهنمایی است.

۲۰- شاید قصد برخی از کسانی که درین راه گام برمیدارند رفع اشکال آموختن خط و املا به برای نوآموزان و یافتن راه آسان تری برای تعلیم خط و زبان فارسی باشد، اگر واقعاً چنین قصد خیر خواهانه‌ی درمیان باشد و گروهی بسازد دیگران نرسند و آلت فعل بدخواهان نباشند باید باین خیر خواهان هشدار داده شود که با هر گونه تغییر و تبدیلی در خط و زبان فارسی که پیوند آن را با خط و زبان هزار ساله بگسلد، اشکالی بر اشکالهای پیش (اگر واقعاً اشکالی وجود داشته باشد) افزوده خواهد شد و زبانی جبران ناپذیر بفرهنگ ملیت و استقلال ایران وارد خواهد آمد، زیرا گمان نمیرود درمیان نمایان تغییر خط و زبان کسی باشد که بگوید باید پرده‌ی میان فرهنگ امروز و فرهنگ قدیم بپفکنیم.

چنانکه گاهی برخی از نوخواهان افراطی و عسیانگر چنین هوسهایی در سرمیپورانند. بنابراین هر فرد ایرانی می‌خواهد آثار علمی، ادبی و هنری گذشته خود را بخواند و به آسانی معنی آنرا بفهمد حال فرض کنیم که بهر دلیل منطقی یا غیر منطقی ما بتوانیم نوآموزان را مجبور کنیم که بجای سندلی متداول سندلی و بجای اطاق معمولی اتاغ و بجای صندوق، صندوق و بجای خواستن، خاستن و بجای خوردشید، خرشید و بجای ثمر، سمر و بجای ثبت، سبت بنویسد، گذشته از اینکه بیشتر ازین کلمات در هر املا به معنی خاص دارد چنان چنانکه ثمر بمعنی میوه و سمر بمعنی قصه و افسانه و ثبت در فارسی بمعنی نگارش و ضبط و سبت بمعنی شنبه و خواستن بمعنی طلب کردن و خاستن بمعنی ایستادن است و این خود موجب میشود که مقصود نویسنده روشن نشود، باید رسم الخط قدیم نیز به نوآموز تعلیم شود زیرا املا همه این کلمات با رسم الخط قدیم در کتب نوشته و چاپ شده است یعنی در همه کتابها که تعداد آنها از شماره برون است سندلی و خواهر و خورشید نوشته شده است حال اگر در آموختن این کلمات با املا جدید، املا قدیم یاد داده نشود وقتی که نوآموز کلمه اطاق یا سندلی را در کتابها با همین املا ببیند آنها را کلماتی غیر از سندلی و اتاغ میپندارد و در نتیجه بجای اینکه او را راهنمایی کنیم موجب گمراهی وی می‌شویم.

بنابراین باید املاء قدیم هم به نوآموز تعلیم شود و این درست مانند کارهای ملانصرالدین میشود یعنی برای آموختن املاء این کلمات کارآموزگان را و نوآموزان و مقدار کاغذ و دفتر و قلم حداقل دو برابر میشود .

با توجه باین نکته بخوبی روشن میشود که با اینگونه تغییرات ناشیانه و ناشی از کم توجهی چه زیانهای بزرگی بکارآموزش و خط و زبان فارسی وارد می شود .

۳- خط و زبان رشته یی است که فرهنگ و تمدن فعلی هر کشور را به فرهنگ گذشته و آینده پیوند میدهد و این در صورتی است که بر اثر پیش آمدهای تاریخی یا جهالت و اغراض فاسد این رشته استوار از هم گسیخته بشود . کسانی که از تغییر خط و زبان گاهی سخن بمیان می آورند و خود را دلسوز و علاقه مند بفرهنگ و تمدن ایران میخوانند ، چشم دل را باز کنند و ببینند که تغییر خط و زبان چه آثار ناگواری در خاطر هر ایرانی باقی گذارده است .

هر ایرانی هنگامی که در برابر آثار و کتیبه های خط و زبان فارسی باستان و اوستایی و پهلوی قرار میگیرد و از خواندن و فهمیدن آنها در نتیجه تغییر خط و زبان ناتوان است بی شک دچار اندوه فراوان میگردد ، در صورتیکه نه آثار علمی و فلسفی و ادبی دوران پیش از اسلام باندازه آثار گرانبهای بعد از اسلام و نه طول آن دوران باندازه این دوره بوده است .

حال اگر خدای نخواست روزی بدخواهان و نادانان موجب شوند که خط و زبان پرمایه امروز که این همه آثار ارزنده علمی و هنری را دربردارد تغییر پیدا کند چه مصیبت و زیان بزرگی در آن روز بفرهنگ ایران وارد خواهد شد .

خط و زبان همچون : خوراک و پوشاک و مسکن و عادات و آداب روزانه هر عصر و زمان نیست که تازه و نو آن مطلوب باشد و مردم بمیل و هوس خود هر روز شکل و مد و سرو وضع و پوشاک و خانه خود را تغییر دهند و هر روز خود را کی تازه برای خود انتخاب کنند ، زیرا این گونه امور زود گذر تأثیر مهمی در نظام اجتماع ندارد و رابطه یی میان گذشته و آینده نیست . برخلاف زبان که

هرچه دوران ثبات و وحدت آن طولانی تر میشود. این از بزرگترین مزایای زبان و خط فارسی است که حداقل در هزار سال وحدت و اساس خود را از دست نداده و در عین حال راه تکامل خود را بخوبی پیموده است در صورتیکه هیچیک از خطها و زبانهای زنده امروز چنین ثبات و پیوندی با گذشته دور ندارد کسانی که به زبانهای فرانسه و انگلیس که از زبانهای زنده و جهانی امروز میباشد آشنایی دارند و در تاریخ ادبی این زبانها کار کرده اند میدانند که خط و متن چهار صد سال قبل زبان فرانسه و زبان انگلیس با خط و زبان امروزی تفاوت و اختلاف بسیار دارد و برای خواندن و فهمیدن آن خط و زبان باید فرانسه زبان و انگلیسی زبان امروز نزد استاد آن را فرا گیرد .

۴- از اظهارات عاطفی و تمصب آمیز پاره‌یی از نویسندگان که درین موضوع گاهی قلمفرسایی میکنند ، نوعی از احساسات تندوتیز و غرور ملی ارتجاعی قرن ۱۸ و ۱۹ نمایان است که خوشبختانه جهان دانش امروز همه آنها را مردود می‌شمارد و متناسب با عصرهای جاهلی میدانند .  
این گونه احساسات داغ و تمصب آمیز در ایران تا زگی ندارد ، از چند سال پیش کسانی امثال میرزا آقاخان کرمانی و درین اواخر امثال سیف آزاد در این نوع عقاید عاطفی راه افراط پیموده اند .

اینان و پیروان آنان چنان گمان میکنند که با دور ریختن کلمات عربی فارسی شده از زبان فارسی و با حذف ث و ح و ص و م و ن و ط و ظ و ع و ق از الفبای امروز فارسی از شکست جنگ قادسیه و آسیای خون مهلب بن ابی صفره در گرگان ، انتقامی بسزا خواهد گرفت ، غافل از اینکه با این عمل ناشیانه و خام نه اینکه انتقامی از لشکریان عمرو عثمان و فرمانده ستمگر امویان نگرفته اند بلکه مقداری از سرمایه گرانبهای اجتماعی و ملک طلق فرهنگی خود را نیز از دست داده اند .

حروف تهجی (الفبا) و کلمات مرکب از آنها بهیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد . هر ملتی در طول تاریخ زندگی خود از مجموع صداها و آواهای دهان برای خود حروف الفبایی وضع کرده و از ترکیب حروف الفبا ، کلماتی ساخته

و پیوسته بر اثر احتیاج و گسترش دانش و صنعت آن دو را تکمیل کرده است .  
الفبای مخصوص فارسی زبانان امروز همان الفبایی است که در طول  
زمان از مجموع حرفهای الف و پ و ژ و ج و س و ص و ط و ع تای تشکیل  
یافته است .

حداقل هزار سال است این الفبا با همین حروف در میان فارسی زبانان  
رواج دارد . کلماتی از قبیل : علم و فهم و طلب و صبر و قلم و کتاب و ساعت و  
هزاران نظایر اینها ، گرچه در اصل عربی است ولی همه آنها امروز جزء زبان  
پرمایه فارسی است و رنگ فارسی بخود گرفته است ، بهمین دلیل فارسی زبانان  
از کلمه طلب ، طلبیدن و ازواژه فهم ، فهمیدن و از کلمات کتاب و قلم ، کتاب  
خانه و قلمدانش درست کرده اند .

بیشتر گویندگان و نویسندگان هنگام گفتن و نوشتن این کلمات توجهی  
به ریشه آنها ندارند و همه آنها را فارسی میدانند . بسیاری از کلمات که  
ریشه آنها عربی است ، از کلماتی مبادل آنها که فارسی است و در زبان عمومی  
جایگیر تر شده است ، چنانکه همه فارسی زبانان علم و قلم و کتاب را بخوبی  
میفهمند و استعمال میکنند ولی کلمه های دانش و کلمه و خامه و دفتر را کمتر  
استعمال میکنند .

کدام عقل و منطق بما اجازه میدهد کلماتی را که متجاوز از هزار سال  
است در زبان ما رواج دارد و کاملاً فارسی شده است آنها را بیگانه بدانیم و دور  
بریزیم ؟

آیا هیچ محقق و زبان شناسی میتواند ادعا کند که نسبتاً یکی یکی از  
کلمات زبان را میدانند که ریشه آن چیست و از کجا آمده است ؟ چه بسیار از  
کلمه هایی که امروز ما ریشه آنها را فارسی میدانیم در اهل هندی یا ترکی یا  
آرامی یا ارمنی یا آسوری بوده است .

اگر ما علوم و صنایع و فنون را امروز از کشورهای دیگری اقتباس  
میکنیم آیا فرزندان ما در قرنهای بعد حق دارند باستناد اینکه این علوم و  
فنون در اصل از کشورهای دیگری گرفته شده است آنها را از تمدن و فرهنگ خود

دور بریزند ؟ اگر چنین کاری کنند بزرگترین تیشه را بدست خود بریشه خود نخواهند زد ؟

آیا کشورهای مترقی امروز از قبیل فرانسه و آلمان و انگلیس و ایتالیا و اسپانی و همه کشورهای اروپایی که دارای يك خط هستند و از نظر ریشه و تاریخ بطور قطع این خط در اصل یکی ازین کشورها مثلا از نژاد لاتن بوده است ، هیچگاه در صدد برآمده اند که تغییر خط بدهند ؟

محققان زبانشناسی ثابت کرده اند که ریشه خطوط هند و اروپایی از فینیقیان است که سامی بوده اند ولی هیچیک از کشورهای اروپایی به این ریشه و تبار توجهی ندارد و هر کشور خط و زبان خود را از خود میدانند . بهمان اندازه که زبان امروز فارسی با زبان عربی آمیخته شده است زبان انگلیسی با زبان فرانسه و زبان بالاتین و ایتالیائی و اسپانیولی آمیخته است ولی هیچیک ازین کشورهای مترقی در صدد بیرون ریختن حروف و کلمات بیگانه نیستند . اگر از زبان عربی لغاتی داخل زبان فارسی شده است ، از زبان فارسی بلکه از آداب و عادات ایرانی نیز بسیاری کلمات و آداب وارد زبان و فرهنگ عربی شده است .

زبان بزرگترین مظهر تمدن و فرهنگ هر کشور است و چنانکه هر کشوری از علوم و فنون کشورهای دیگر اقتباس میکند از زبان نیز در موقع احتیاج کلماتی بهاریه میگیرد و کم کم آنها رنگ و صورت زبان ملی را میگیرند . این دادوستد در میان کشورهای متمدن همیشه وجود داشته و خواهد داشت .

آمیزش زبان فارسی با زبان عربی برخلاف آنچه برخی از بی خبران گمان میکنند ، انحصار به بعد از اسلام ندارد بلکه پیش از اسلام نیز این اختلاط کم و بیش وجود داشته است که از آثار آن هزوازش بوده است یعنی کلماتی به زبان آرامی یا عربی نوشته میشده و بفارسی (پهلوی) تلفظ میشده است .

چون بنظر محققان ، فارسی دری بعد از اسلام با آن پختگی که دارد ، دور بنظر میرسد که در مدت کوتاهی بعد از اسلام چنان زبان شیوا و رسایی درست شده باشد ، از اینرو گمان میکنند که این فارسی دنبال فارسی باشد که قبل از



اسلام نیز وجود داشته است (۱) بنابراین ممکن است حروف مخصوص زبان عربی نیز پیش از اسلام در زبان فارسی راه یافته بوده است .

این احتمال بواقع حقیقت نزدیک مینماید زیرا علاوه بر زبان فارسی که زبان علمی و عمومی در کشور عظیم شاهنشاهی ایران بوده است زبانهای محلی دیگری نیز از قبیل زبان سعدی ، زبان هندی و سندی ، زبان ترکی ، زیبای آرامی ، زبان عربی نیز در کشور پهناور ایران وجود داشته است زیرا گویندگان این زبانها در گوشه و کنار ایران زندگی میکردند و جزء مردم ایران بشمار میرفته اند .

بنابراین در زبان پیش از اسلام نیز کلماتی از ریشه هندی و سندی و سغدی و آرامی و عربی وجود داشته است .

آخرین سخن را در پیرامون ادعای مدعیان تغییر خط بدلیل مشکل بودن املاي زبان فارسی اختصاص میدهیم . این گفته ناشی از کمی بررسی و اطلاع درباره سابقه درخشان همین زبان فارسی دری که مورد بی اعتنائی و تحقیر گروهی از غرب زدگان و نوخواهان و آشفته فکران شده است؛ همچنین کمی مطالعه و تحقیق درباره زبانهای زنده امروز و مشکل خط و املا آنها میباشد . از نظر سابقه درخشان و گسترش این خط و زبان ، اگر چنان اشکالی

که مدعیان خود خواه ناگاه میگویند در آن وجود داشت . نمی بایست بی - هیچگونه تبلیغ و فشاری و بی هیچگونه انگیزه سیاسی یا اقتصادی این خط و زبان خود بخود چندین قرن در شبه قاره وسیع هندوستان و پاکستان و در کشورهای هند و ترکستان و چین و هندو چین و عثمانی سابق - با آن همه دشمنی و جنگ با ایران - نفوذ و رواج پیدا کند و دانشمندان و نویسندگان و شاعران از مردم آن کشورها باین زبان کتابهای علمی نویسند و دیوان شعر از خود بیادگار گذارند ، حتی زبان رسمی درباری برخی از این کشورها سالها فارسی بود . آیا برای این امر دلیلی جز شایستگی ، آسانی و رسایی خود خط و زبان میتوانیم فرض کنیم ؟ همین آسانی و جامعیت این خط و زبان بود که از زمان سلطان محمود غزنوی که دروازه های هندوستان

را گشود تا اواخر خاندان تیمور در هند زبان فارسی در هندوستان گسترده ترین زبان علمی و ادبی و درباری بود چنانکه در زبان بعضی از شاهان ادب پرور تیموری رواج شعر و ادب پارسی در هندوستان از خود ایران بیشتر بود آیا اگر خط املا و گفتار این زبان مشکل مینمود، خود بخود چنان پیشرفتی برای آن متصور بود؟

با اینکه در زمان ما بر اثر گسترش فرهنگ و دانشگاه و مؤسسات چاپ و نشر کتابهای فارسی بسیار چاپ شده است ولی هنوز تعداد کتابهای چاپی و خطی فارسی کتابخانه‌های ایران باندازه کتب فارسی کتابخانه‌های هندوستان و پاکستان نیست مخصوصاً کتب فرهنگ و لغت زبان فارسی که بیشتر نویسندگان آنها از مردم هندوستان و پاکستان بوده‌اند. این خود بهترین دلیل سادگی، آسانی و جامعیت این خط و زبان است.

و اما از نظر مقایسه املاهای زبان فارسی امروز با زبانهای زنده و گسترده دیگر از قبیل زبانهای فرانسه و انگلیسی، هر کس که مختصر آشنایی بیکی از آن زبانها و زبان فارسی داشته باشد میدانند که املاهای زبان فارسی چه اندازه نسبت به آن زبانها آسان تر است.

در زبان انگلیسی بیشتر کلمات دارای حروفی هستند که تلفظ نمیشود بعلوه يك علامت دارای يك صدا نیست بلکه در هر کلمه صدای خاصی دارد در صورتیکه در زبان فارسی کلماتی که دارای حرف زاید باشد بسیار کم است و صدای هر علامتی ثابت و مشخص است.

در الفبای امروز زبان فارسی باندازه بی که در میان فارسی زبانان آهنگ و صدا برای تلفظ کلمات وجود دارد بهمان اندازه نیز علامت در الفبا وجود دارد نه بیش و کم ولی در الفبای زبان فرانسه و انگلیسی که دوزبان رایج و گسترده هستند برای همه آهنگهای خود آن روزبان در الفبا علامت ندارند و برعکس گاهی برای یکصدا چند علامت وجود دارد: مثلاً در زبانهای فرانسه و انگلیسی ج.ج.ش وجود دارد ولی برای آنها علامت بسیطی در الفبای فرانسه و انگلیسی نیست، برعکس برای نشان دادن صدای : ك یا ف یا س چند علامت وجود دارد. از همه مهمتر اینکه خط لاتین بهیچوجه صلاحیت و توانایی ندارد که تلفظ بسیاری از کلمات خارجی را چنان که خود اهل زبان تلفظ میکنند نشان بدهد زیرا برای نشان دادن آهنگهای خاص زبانهای خارجی علامت ندارد در صورتیکه زبان امروز فارسی با الفبای کامل و جامع خود میتواند هر کلمه

بیگانه‌یی را چنانکه خود بیگانگان تلفظ میکنند بنویسد.

اگر در تلفظ کلمات اشکالی پیش نیاید آنها را بدون حرکات مینویسد و اگر اشکالی در تلفظ پدید آید با نوشتن علامات بسیار ساده و کوچک (زیر و زیر و پیش و جزم) تلفظ آنها را بخوبی نشان میدهد و این خود نیز یکی از مزایای خط فارسی است که در صورت لزوم با حرکات و اگر نیازی نباشد بدون حرکات نوشته میشود یعنی هم خاصیت کندنویسی و هم مزایای تندنویسی را با يك الفبا دارد .

با اضافه شدن حروف مخصوص زبان عربی (ث و ح و ص و ...)

الفبای فارسی همه آهنگها و صداهایی را که در زبانهای گوناگون وجود دارد در بر دارد و ازین جهت کاملترین الفباهای دنیاست و ازین نظر از الفبای مخصوص زبان عربی نیز کاملتر است زیرا الفبای عربی فاقد علامت صداهایی از قبیل : پ ، ژ ، گ و غیرها میباشد .

با خط لاتین نمیتوان کلماتی از قبیل : اعلام ، اعقاب ، علماء ، صنائع ، جوائز ، اعاده ، مسائل را همانگونه که تلفظ میشود نوشت . کلماتی از قبیل علم و الم و اعلام و آلام و جم و جام و خم و خام همه یکسان نوشته میشود در صورتیکه هر کدام معنی علاحه دارد (۱).

مستشرقان ناگزیر شده‌اند که برای خواندن و نوشتن زبانهای عربی و فارسی حرکات و علامات بسیاری را روی حروف الفبای لاتین بنویسند تا تلفظ آنها را نشان دهد . ولی خود این الفبا ، بسیار مشکل و یاد گرفتن آن مدت‌ها وقت لازم دارد .

جای شگفتی و تأثر فراوان است که فرنگیان با آنهمه اشکالات و نقسی که در خط و الفبای آنان وجود دارد ، هرگز ب فکر تغییر و تبدیل آن نیفتاده‌اند و هر چند وقت اینگونه طبل تو خالی را بسدا در نیاورده و این امر بهیچوجه مانع پیشرفتهای علمی و صنعتی و سیاسی و اقتصادی آنان نشده است و با داشتن همین خط و الفبای ناقص و پراشکال به کره ما نیز رفته‌اند . ولی در برابر آنان جمعی از نوگرایان و هرج و مرج طلبان و شوریده فکران ایرانی با داشتن خط

۱- برای اطلاع بیشتری در این موضوع رجوع شود به : « ماجرای

تغییر خط ، تألیف نویسنده این مقاله .

وزبانی به این شیوایی دانسته یا ندانسته، از پیش خود یا به تقلید و تحریک بدخواهان هر چند گاه یک بار این طیل لعنتی را بصدا درمیآوردند و گفتگو از مشکلی خط و زبان و لزوم تغییر و تبدیل آن بمیان میآوردند.

در اینجا لازم است بی مجامله و پرده پوشی علت واقعی مشکلاتی اگر در نوشتن و املاء فارسی در نزد نوآموزان و جوانان امروز وجود دارد گفته شود. علت اصلی بی توجهی، بی اعتنائی و حقیر شمردن خط و زبان فارسی است. اگر اندکی از توجهی که اولیای دانش آموزان و دستگاههای آموزش و پرورش و مؤسسات تبلیغاتی بزبانهای خارجی دارند، درباره فارسی، مبذول میداشتند و حریم آن را محترم و مقدس میشمردند این انحطاط و اغلاط و بد خطی در خط و زبان فارسی پیدانمیشد و هر نااهل و ناآگاهی نمیتوانست بحریم آن دست درازی کند. اگر پیشینیان ما هیچگاه از مشکل بودن خط و زبان فارسی بحثی بمیان نمیآوردند برای این بود که چون آنان زحمت خواندن کتابها و دیوانهای نویسندگان و شاعران فارسی را بر خود هموار میکردند بخوبی بر نوشتن و خواندن و فهمیدن معانی عبارات ثروتمند مسلط میشدند و واقعاً برای آنان مشکلی پیش نمی آمد. آنان همیشه زبان و خط فارسی را با دیده تحسین و اعجاب می نگریستند نه با دیده تحقیر و بی اعتنائی.

کسانی که این میراث بزرگ را برای ما باقی گذاردند میدانستند که باید در حفظ حریم آن بکوشند و بمیل و هوس چندتن نا آزموده به حدود و مرزهای آن دست درازی نکنند در نتیجه بیش از هزار سال چنین گنجینه پر بهایی را برای ما حفظ کردند و بدست ما سپردند ولی ما بی آنکه زحمتی برای فرا گرفتن آن بخود بدهیم و در مقوم ثروتظم آن تحقیق و مطالعه کنیم و بجای این همه فیلمها و اوراق پر زرق و برق کم معنی و پرزبان که در شباهه روز می بینیم و میخوانیم، پیوسته لبه تیز تیغ خود را متوجه سر و گردن این خط و زبان پرمایه و ارج میکنیم. ما انتظار داریم که درس نخوانده ملاحظه ما را و چون در عمل بر اثر نادانی و بی خبری از قواعد و دستور زبان دچار اشتباه و لغزش میشویم، آن را حاصل بر مشکل و نارسا بودن خط و زبان میکنیم. چه اندازه گوینده سابق حال ما را خوب وصف کرده است. در آنجا که از نوآموز خط و بهانه گیری گفتگو میکند:

قلم بد است و مرکب بد است و کاغذ بد

گناه هر سه چه باشد که خط کاتب بد